

ضمان و مسئولیت مدنی در انتقال الکترونیکی معتبر و غیرمجاز وجوه

احمد دیلمی^۱، فهیمه فیروزبخت^{۲*}

۱. دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

۲. دانشجوی دکتری، دانشگاه قم، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۱۸)

چکیده

انتقال معتبر و غیرمجاز وجوه یکی از مهم‌ترین خطرات در بانکداری الکترونیکی محسوب می‌شود. اگر دستور پرداخت معتبر و غیرمجازی صادر شود و بانک از غیرمجاز بودن دستور پرداخت اطلاعی نداشته باشد و دستور پرداخت به وسیله روش‌های امنیتی مورد توافق با مشتری شناسایی و تصدیق شود، بانک دستور پرداخت را معتبر تشخیص می‌دهد و نسبت به انتقال وجه اقدام خواهد کرد. در چنین شرایطی آیا بانک یا شخص دیگری ضمان و مسئولیت مدنی دارند؟ با توجه به اینکه دستور پرداخت به وسیله چه ابزار پرداختی صادر شده و اینکه صدور چنین دستور پرداختی ناشی از قصور مشتری یا بانک بوده است یا اینکه هیچ‌یک از بانک و مشتری تقصیری مرتکب نشده باشد، موجب می‌شود ضمان و مسئولیت جبران خسارت بر عهده بانک یا مشتری یا هر دوی آنها قرار گیرد. در این مقاله، مفهوم انتقال غیرمجاز و انتقال معتبر وجوه، انواع دستور پرداخت از حیث جواز و اعتبار و میانی مسئولیت مدنی و آثار ناشی از نقض تعهد بر اساس حقوق ایران و قانون متحدالشکل تجاری آمریکا بررسی می‌شود. به نظر نگارندگان در پرداخت معتبر و غیرمجاز اصل بر ضمان و مسئولیت مدنی بانک است؛ مگر آنکه بانک تقصیر و انتساب این امر به مشتری را ثابت کند. البته مشتری باید غیرمجاز بودن را ثابت کند.

واژگان کلیدی

انتقال الکترونیکی غیرمجاز، انتقال الکترونیکی معتبر، جبران خسارت، ضمان، مسئولیت مدنی.

مقدمه

انتقال الکترونیکی وجوه از مهم‌ترین کارکردهای بانکداری الکترونیکی است و در صورتی محقق می‌شود که صادرکننده دستور پرداخت بدون آنکه به صورت حضوری به بانک مراجعه کند، دستور انتقال وجوه را به صورت الکترونیکی صادر کند (Geva, 1986:6) یا عملیات انتقال وجه بین دو بانک با ابزار الکترونیکی انجام گیرد (Brindle & Cox, 2010:57). انتقال الکترونیکی وجوه اگرچه به دلیل سرعت زیاد و هزینه‌های کم بسیار مهم و راهگشاست، مورد خطراتی خواهد بود که در نتیجه آن بانک یا مشتری ملزم به تحمل خسارت‌های وارد شده خواهند شد. یکی از مهم‌ترین خطرات، خطر (ریسک) ناشی از انتقال معتبر و غیرمجاز وجوه است که موجبات ضمان و مسئولیت را فراهم می‌آورد.

در این مقاله، مفهوم انتقال معتبر و انتقال غیرمجاز (فعل نامشروع)، روش‌های صدور دستور پرداخت از حیث جواز و اعتبار، مبانی و آثار مسئولیت ناشی از نقض تعهد در حقوق ایران و مقررات ماده ۴ الف قانون متحدالشکل تجاری آمریکا بررسی می‌شود.

مفهوم انتقال غیرمجاز و انتقال معتبر وجوه

اعتبار دستور پرداخت و مجاز یا غیرمجاز بودن آن، دو مقوله مجزا است. دستور پرداختی معتبر خواهد بود که مطابق با روش‌های امنیتی مورد توافق بانک و مشتری صادر شود و دستور پرداختی مجاز است که توسط مشتری قانونی یا مأذون از جانب وی صادر شود.

صدور دستور انتقال الکترونیکی وجوه به صورت معتبر و غیرمجاز در مواردی اتفاق می‌افتد که شخصی به ابزارهای پرداخت و یا سایر روش‌های امنیتی به صورت غیرقانونی دسترسی یافته و یا توانسته به سیستم امنیتی بانک به صورت غیرمجاز ورود نماید (Geva, 2001:395) و یا اگر دستور پرداخت به درستی صادر شده باشد، قبل از آن‌که به اجرا درآید، مفاد آن را تغییر داده است (Rusch, 2008:566-567).

با وجود استفاده از روش‌های امنیتی به منظور تصدیق دستور پرداخت، بانک قادر به احراز هویت واقعی شخص صادرکننده دستور پرداخت نخواهد بود (Abdullah, 2014:103)

و نمی‌تواند اطمینان حاصل کند که دستور پرداخت معتبر، به صورت مجاز صادر شده است. در چنین شرایطی، بانک اصل را بر آن قرار می‌دهد که دستور پرداخت معتبر، به صورت مجاز صادر شده است.

روش‌های صدور دستور پرداخت از حیث جواز و اعتبار

صدور دستور پرداخت توسط مشتری یا بر اساس اجازه واقعی وی

نماینده زمانی اختیار واقعی دارد که اصیل با قصد و رضای کامل نسبت به اعطای اجازه به نحو صریح یا ضمنی اقدام کرده باشد. تمامی اشاره‌ها و اقدام‌های طرفین از عبارات‌های صریح گرفته تا عرف جاری یا رویه تجاری خاص طرفین، شاید مبین اعطای اجازه یا نمایندگی واقعی از سوی اصیل به نماینده باشد (مافی، کدیور، ۱۳۹۳: ۲۷). اگر دستور پرداخت توسط مشتری یا بر اساس اجازه واقعی وی صادر شود، انتقال وجه معتبر و قانونی است و مشتری مسئولیت تمام و کامل دارد (Geva, 2003: 224).

در حقوق آمریکا، وفق قسمت الف بند ۲۰۲ ماده ۴ الف U.C.C، اگر شخص صادرکننده دستور پرداخت، مجوز صدور داشته یا بر اساس حقوق ناظر بر نمایندگی متعهد و ملتزم به آن شده باشد، دستور پرداخت مجاز است.

در حقوق ایران، قانون تجارت الکترونیکی در بند ۲ ماده ۲، اصل ساز را شخصی دانسته که «منشأ اصلی داده پیام است و داده پیام به وسیله او یا از طرف او تولید یا ارسال می‌شود...». بنابراین، در صورتی که دستور پرداخت توسط مأذون از جانب مشتری نیز صادر شود، مجاز و قابل انتساب به مشتری است.

صدور دستور پرداخت بر اساس اجازه ظاهری (صوری) مشتری

نمایندگی ظاهری، استثنایی بر این قاعده عمومی است که نماینده غیرمجاز و فاقد اختیار نمی‌تواند اصیل خود را به قرارداد با ثالث ملزم کند (امینی، عبدی، ۱۳۹۳: ۶۳). نمایندگی ظاهری به نمایندگی نماینده‌ای اطلاق می‌شود که شخص حقیقتاً و واقعاً در مورد معامله‌ای که انجام می‌دهد، اختیار ندارد، اما شخص ثالث با حسن نیت با تکیه به ظاهری که ظهور در نمایندگی دارد و منتسب به اصیل است، او را نماینده تلقی و به همین اعتبار با او معامله

می‌کند (حاجیانی، ۱۳۸۷: ۲۰۹). در نمایندگی ظاهری، رفتار و گفتار اصیل سبب می‌شود که شخص ثالث با حسن نیت به نحو معقول به این نتیجه برسد که نماینده از جانب اصیل دارای اختیار است، در این صورت فرض می‌شود که چنین رابطه‌ای میان اصیل و نماینده برقرار است و اصیل در مقابل ثالث، حق استناد به نبود نمایندگی را ندارد (مافی، کدیور، ۱۳۹۳: ۲۳). در چنین شرایطی با توجه به اینکه اصیل از فقدان رابطه نمایندگی آگاه است و می‌داند یا احتمال می‌دهد رفتار او ممکن است بر اشخاص ثالث اثر بگذارد، چنانچه شخص متعارف با حسن نیت، یعنی عدم علم به واقع و عدم تقصیر و قصور در تحصیل علم، به ظاهر ایجاد شده اعتماد و بر مبنای آن اقدام کند، اصیل ظاهری مسئول اجرای تعهداتی است که نماینده از جانب او پذیرفته است، البته تا حدودی که وانمود شده نماینده ظاهری، نماینده اصیل است (امینی، عبدی، ۱۳۹۳: ۶۴). نظریه نمایندگی ظاهری با متعهد و مسئول دانستن اصیل، از شخص ثالث با حسن نیت حمایت و از ورود ضرر به او جلوگیری می‌کند (اسکینی، پورارشاد، ۱۳۸۹: ۴). در اجازه ظاهری، رفتار اصیل، اتکای معقول و حسن نیت ثالث، سه عنصر اصلی هستند.

در نسخه دوم و سوم بازبینی قانون حقوق نمایندگی آمریکا آمده است: «نمایندگی ظاهری، توانایی و اختیار تغییر روابط حقوقی شخص اصیل، به وسیله انجام معاملات با اشخاص ثالث به عنوان نماینده اصیل است که از تظاهر اصیل در برابر اشخاص ثالث ناشی شده و مبتنی بر آن است». همچنین، مطابق ماده ۴ الف U.C.C، چنانچه مشتری به گونه‌ای رفتار کند که با وجود اینکه نسبت به صدور دستور پرداخت اقدام نکرده است، نتواند ادعا کند که دستور پرداخت بدون مجوز بوده است، نسبت به ایفاء تعهدات ناشی از آن متعهد خواهد بود. قسمت الف بند ۲۰۲ ماده ۴ الف U.C.C با چنین دستور پرداختی همانند یک دستور پرداخت مجاز برخورد می‌کند و فرض می‌شود که مشتری چنین دستوری را ارسال کرده است (Official Comment 1 to § 4A-203).

در حقوق ایران نص قانونی در خصوص اختیار ظاهری نماینده وجود ندارد و چون خلاف اصولی همچون اصل حاکمیت اراده و اصل عدم ولایت بر دیگری است، جنبه استثنایی دارد و نیازمند تصریح قانونگذار است (امینی، عبدی، ۱۳۹۳: ۸۶) و تنها

به طور استثنایی می توان جلوه‌هایی از نظریه نمایندگی ظاهری را یافت.^۱ وفق بند ب ماده ۱۹ قانون تجارت الکترونیکی، داده پیام دریافت شده توسط مخاطب در صورتی که از اقدامات شخصی ناشی شده که رابطه‌اش با اصل ساز، یا نمایندگان وی سبب شده تا شخص مذکور به روش مورد استفاده اصل ساز دسترسی یافته و «داده پیام» را به مثابه «داده پیام» خود بشناسد، داده پیام ارسال شده تلقی خواهد شد. در این ماده، قانونگذار از انتساب دستور پرداخت به مشتری سخنی به میان نیاورده و فرض را، انتساب چنین دستور پرداختی به مشتری دانسته است، مگر آنکه بر اساس ماده ۲۰ همان قانون ثابت شود که دستور پرداخت به هیچ وجه به مشتری منتسب نیست.

بنابراین، اگر مشتری با قصد و اراده خود، شخص ثالثی را از روش‌های امنیتی آگاه کند یا ابزار پرداخت را در اختیار وی قرار دهد و نماینده از اختیارات و اعتمادی که به وی شده است، سوء استفاده کند و عملی خارج از حیطه اجازه‌ای که به وی داده شده است، انجام دهد یا به واقع، اختیاری به منظور استفاده از اطلاعاتی که در اختیار وی قرار گرفته است، به او تفویض نشده باشد، مشمول قواعد حاکم بر انتقال غیرمجاز وجه نخواهد بود و اقدام متصرف قانونی در این شرایط بر اساس اجازه مشتری تلقی می‌شود و مشتری متعهد و ملزم است (Geva, 2003: 224-225) و باید ریسک ناشی از آن را تحمل کند و در صورت تحقق انتقال غیرمجاز، مسئولیت تام و کامل خواهد داشت.

صدور دستور پرداخت مطابق با روش‌های امنیتی مورد توافق

دستور پرداختی که منطبق با روش‌های امنیتی و به نام مشتری قانونی صادر شود، اما به واقع توسط شخصی صادر شده باشد که به صدور چنین دستور پرداختی مجاز نیست، دستور پرداخت غیرمجاز و معتبر است.

در حقوق آمریکا، وفق قسمت ب بند ۲۰۲ ماده ۴ الف U.C.C، اگر بانک و مشتری توافق

۱. از قبیل ماده ۶۸۰ قانون مدنی، مواد ۱۰۵، ۳۹۶، ۳۹۷ و ۳۹۹ قانون تجارت، مواد ۱۱۸ و ۱۳۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت، ماده ۹۲ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶، ماده ۳ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ و ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی.

کنند که صحت و اعتبار دستورهای پرداخت بر اساس روش امنیتی تصدیق شود، دستور پرداختی که به بانک دریافت‌کننده واصل می‌شود، به‌عنوان دستور مشتری اجرایشده است، خواه با مجوز و خواه بدون مجوز صادر شده باشد، به شرط آنکه روش امنیتی به‌منظور تأمین امنیت، روش تجاری و متعارف باشد و بانک ثابت کند که با حسن نیت و در مطابقت با روش امنیتی دستور پرداخت را تصدیق کند و پذیرفته است. در چنین شرایطی دستور پرداخت معتبر و متناسب به مشتری فرض شده و ریسک ناشی از صدور دستور پرداخت غیرمجاز به مشتری منتقل خواهد شد. مگر آنکه به‌موجب بند ۲۰۳، مشتری ثابت کند که دستور پرداخت غیرمجاز توسط شخصی صادر شده که اطلاعات لازم برای استفاده از روش‌های امنیتی را از طریق پرداخت‌کننده یا عوامل وابسته به وی به‌دست نیاورده است، یعنی دسترسی به اطلاعات لازم برای صدور دستور پرداخت غیرمجاز به‌هیچ‌وجه به وی منتسب نیست، در چنین شرایطی ریسک ناشی از صدور دستور پرداخت غیرمجاز به بانک منتقل خواهد شد (Official Comment 5 to § 4A-203). قسمت ب بند ۲۰۲ ماده ۴ الف، بر این فرضیه استوار است که خسارت‌ها و زیان‌های ناشی از دستورهای پرداخت متقلبانه به‌وسیله روش‌های امنیتی معقول تجاری قابل احتراز است و بانک باید بتواند به معیارهای عینی اعتماد کند.

در حقوق ایران، وفق بند الف ماده ۱۹ قانون تجارت الکترونیکی، اگر داده پیام منطبق بر روشی فرستاده شود که قبلاً توسط اصل‌ساز معرفی یا توافق شده است که معلوم کند «داده پیام» همان است که اصل‌ساز ارسال کرده است، بانک حق دارد آن را ارسال‌شده از سوی مشتری فرض کند و نسبت به اجرای آن مبادرت ورزد و به ظاهر داده پیام منتسب به مشتری است. حال اگر وفق ماده ۲۰ همان قانون، مشتری بتواند ثابت کند که داده پیام از سوی وی صادر نشده است، دستور پرداخت قابلیت انتساب به مشتری را از دست می‌دهد و در صورت اجرای دستور پرداخت غیرمجاز به‌وسیله بانک، نمی‌توان مسئولیت ناشی از خطر انتقال غیرمجاز وجه را بر عهده مشتری قرار داد.

مبنای ضمان و مسئولیت مدنی انتقال الکترونیکی معتبر و غیرمجاز وجوه

در نظام حقوقی آمریکا، جواز دستور پرداخت بر اعتبار آن غلبه دارد. بنابراین، اگر دستور

پرداخت به صورت معتبر صادر شده باشد، اما مشتری بتواند ثابت کند که بدون مجوز او صادر شده است و به هیچ نحوی به وی منتسب نیست، بانک مسئول جبران خسارت است، مگر آنکه تقصیر یا تقلب مشتری را ثابت کند.

اگر دستور پرداخت به صورت غیرمجاز صادر شود و بانک بدون تصدیق دستور پرداخت مطابق با روش‌های امنیتی به انتقال وجه اقدام کند، قانونگذار به پیروی از نظریه تقصیر، بانک را مسئول دانسته است؛ اما چنانچه دستور پرداخت به صورت معتبر صادر شود و بانک با حسن نیت و مطابق با روش‌های امنیتی متعارف (که مورد توافق با مشتری است) دستور پرداخت را تصدیق کند، اما مشتری بتواند ثابت کند که نه تنها دستور پرداخت مجاز نیست، بلکه به هیچ وجه به وی نیز منتسب نیست، قانونگذار به پیروی از نظریه تقصیر و با جانبداری از مشتری در مرحله اثبات یعنی مقرر کردن اماره قانونی تقصیر بانک مسئولیت محض بانک را در نظر گرفته و بانک را مسئول جبران خسارت دانسته است. پس، بانک حق اجرای دستور پرداخت صادر شده به صورت غیرمجاز را ندارد و ریسک ناشی از اجرای آن بر عهده بانک است و بانک باید نسبت به بازپرداخت تمامی وجوه برداشت شده، به مشتری اقدام و از طریق گیرنده وجه، خسارات وارد شده به خود را جبران کند.

بنابراین، در ابتدا ریسک ناشی از پرداخت‌های غیرمجاز با بانک است. اگر بانک ثابت کند که با حسن نیت و مطابق با روش‌های امنیتی که از نظر تجاری معقول و متعارف و مورد توافق با مشتری بوده، دستور پرداخت را بررسی کرده است، ریسک به مشتری منتقل می‌شود. ریسک مجدداً بر عهده بانک قرار خواهد گرفت، اگر مشتری ثابت کند که دستور پرداخت توسط شخصی صادر شده است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به روش‌هایی که به وسیله آن دستور پرداخت قابل تأیید صادر می‌شده، دسترسی نداشته است و متخلف بدون اینکه خطا یا قصوری از جانب مشتری صورت گیرد، به اطلاعات دسترسی یافته است. یعنی دستور پرداخت غیرمجاز به هیچ وجه به مشتری منتسب نیست. بنابراین، جبران خسارت ناشی از انتقال وجهی که به موجب دستور پرداخت غیرمجاز محقق شده است، بر عهده بانک خواهد بود.

در نظام حقوقی ایران، به جز در مورد کارت‌های بانکی، مقررات مشخصی در این حوزه

وجود ندارد و تنها بند «ج» ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی کشور در حکمی کلی، بانک‌ها را در مقابل خساراتی که در اثر عملیات آنها متوجه مشتریان می‌شود، مسئول و متعهد به جبران خسارت دانسته است.

انتقال وجه از طریق کارت

قانونگذار وفق ماده ۹ دستورالعمل ضوابط، استانداردها و قالب پیام‌ها برای ارائه خدمات پرداخت کارتی در شبکه بانکی کشور و بر مبنای نظریه تقصیر مقرر کرده است که خسارت‌ها و زیان‌های وارد شده در خلال فاصله زمانی بین مفقود شدن یا به سرقت رفتن کارت تا اعلام مراتب به صادرکننده، متوجه دارنده کارت و پس از آن بر عهده صادرکننده است. به علاوه، زمان اطلاع مشتری از مفقودی یا سرقت در تدوین این ماده اثری ندارد و اگر مشتری دو روز بعد از سرقت یا مفقودی کارت خود متوجه این امر شود و بی‌درنگ بانک را در جریان قرار دهد و طی مدت دو روز برداشت غیرمجاز صورت گرفته باشد، هیچ‌گونه مسئولیتی بر عهده بانک نخواهد بود.

در وضعیت فعلی بانکداری الکترونیکی در ایران، به‌صرف در دست داشتن کارت، امکان صدور دستور پرداخت را فراهم نمی‌کند و برای صدور دستور پرداخت، وجود اصل کارت به‌همراه رمز اول یا اطلاعات مندرج در روی کارت به‌همراه رمز دوم ضروری است. بنابراین شخصی که دستور پرداخت غیرمجاز را صادر می‌کند، به‌طور قطع باید از سد روش‌های امنیتی مطمئن بانک نیز عبور کند. از آنجایی که بانک مسئول تأمین امنیت با روش‌های مطمئن است، در صورت صدور دستور پرداخت معتبر و مجاز در فاصله مفقودی و سرقت کارت تا اطلاع‌رسانی به بانک، استدلال قوی‌تر آن است که نوع اشتباه و میزان خطا یا تقصیر، ملاک عمل قرار گیرد و مسئولیت جبران خسارت بر عهده هر دوی ایشان یعنی بانک و مشتری باشد.

انتقال وجه از طریق سایر ابزارهای پرداخت

در صورت صدور دستور پرداخت معتبر و غیرمجاز از طریق سایر ابزارهای پرداخت، اگر تقصیری متوجه بانک یا مشتری باشد، بر مبنای نظریه تقصیر، مقصر ضامن و مسئول جبران خسارت است. اما اگر هیچ‌گونه تقصیر یا خطایی به مشتری منتسب نباشد و بانک نیز با

رعایت استانداردهای ابلاغی از سوی مقامات ذیصلاح مانند بانک مرکزی، بی احتیاطی، خطا یا تقصیری در انجام دادن عملیات بانکی الکترونیکی مرتکب نشده باشد، اما امنیت شبکه اطلاعاتی بانک نقض شود و انتقال غیرمجازی انجام گیرد، در صورت ورود خسارت به مشتری، رعایت استانداردهای لازم موجب معافیت بانک از مسئولیت نخواهد بود و بانک به موجب استدلال‌های زیر، بر مبنای مسئولیت قهری یا بر مبنای مسئولیت قراردادی، حسب مورد، مسئول بدوی جبران خسارات است و خود می‌تواند به متخلف اصلی مراجعه کند.

اول آنکه قانونگذار واژه «عملیات بانکی» را در بند «ج» ماده ۳۵ قانون پولی و بانک، به صورت مطلق استفاده کرده و بانک را مسئول خسارت‌هایی دانسته که به سبب فعالیت‌هایش وارد شده است. زیرا بانک با وجود اینکه تقصیری مرتکب نشده، اما فعالیتش یکی از اسباب ورود خسارت است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۹۱ - ۹۲). به نظر می‌رسد قانونگذار در اینجا «مسئولیت محض» را مقرر کرده و بانک را مسئول جبران خسارت دانسته است. مسئولیت محض، مسئولیتی است که مبتنی بر وجود و اثبات تقصیر در عامل زیان یا فعل زیانبار نیست و صرف ایراد ضرر، برای عامل آن ایجاد مسئولیت می‌کند و انتساب ضرر به بار آمده به فعالیت مسئول است و نه تقصیر او (قربان‌پور، ۱۳۹۴: ۲۹۷) و خواننده جز با اثبات فقدان رابطه سببیت یا انتساب ضرر به قوای قاهره نمی‌تواند از مسئولیت معاف شود. در نظام مسئولیت محض نه تنها به اثبات تقصیر بانک نیازی نیست، بلکه برای اثبات رابطه سببیت نیز سختگیری نمی‌شود و با انجام دادن فعل زیانبار یا ترک فعلی که به زیان منجر شده است و به دیگر سخن، فعل یا ترک فعلی که به ظاهر سبب ورود خسارت می‌شود، رابطه سببیت مفروض است. (بادینی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۱: ۲۱ - ۲۳).

در حقوق اسلام نیز جبران خسارت زیان‌دیده بیش از مکافات دادن عامل مورد توجه است. قانونگذار هیچ ضرری را جبران نشده باقی نمی‌گذارد، هرچند که عامل ورود آن مقصر نباشد. در حقوق اسلام همین اندازه که در نظر عرف بتوان اضرار ناروایی را به کسی نسبت داد، او ضامن جبران خسارت است (اصفهانی، ۱۴۱۸ق: ۳۰۳؛ فاضل، ۱۴۲۵ق: ۵۶؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق: ۱۴۱؛ مکارم، ۱۴۲۵ق: ۱۷۹). بنابراین، اگر دستور پرداخت معتبر و غیرمجازی صادر شود و بانک آن را اجرا کند، مسئولیت بانک از نقض الزام قانونی نشأت

گرفته است و زیان‌دیده می‌تواند برای مطالبه خسارت‌های قابل جبران به رژیم حقوقی قانونی و الزامات خارج از قرارداد استناد کند.

دوم آنکه تعهد بانک به رعایت احتیاط یکی از تعهدات ضمنی قرارداد فی‌مابین مشتری و بانک در زمان صدور ابزار پرداخت یا توافق در زمینه روش‌های امنیتی است. زیرا این قرارداد بر مبنای اعتماد مشتری به ایمنی تجهیزات و امکانات بانکی منعقد شده است (السان، ۱۳۹۲: ۱۷۵). اگرچه شرط رعایت احتیاط به‌صورت صریح در قرارداد ذکر نمی‌شود، معهود در عرف و مورد شناسایی بوده و به‌صورت شرط ضمنی داخل در قرارداد است و به‌طور ضمنی و به دلالت تضمینی و نه به‌طور مستقل مورد اراده طرفین قرار دارد (شهیدی، ۱۳۸۷: ۴۱ - ۴۲). شرط ضمنی، مدلول التزامی قرارداد است و در نتیجه به‌دنبال انشای قرارداد، به‌عنوان لازمه عرفی قرارداد انشا می‌شود. به‌علاوه شرط ضمنی هویتی جدای از شرط ضمن قرارداد ندارد و یکی از اقسام آن است و هر دلیلی که بر اعتبار شرط ضمن عقد دلالت دارد، شرط ضمنی را نیز معتبر می‌کند (سیمایی صراف، ۱۳۷۷: ۸۶). قانون مدنی در ماده ۲۲۵ مقرر می‌دارد: «متعارف بودن امری در عرف و عادت به‌طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد به‌منزله ذکر در عقد است». اگر نقض تعهدات صریح، تقصیر قراردادی محسوب شود، نقض تعهدات ضمنی نیز تقصیر قراردادی است و موجب ضمان و مسئولیت قراردادی می‌شود.

سوم آنکه تعهد بانک به برقراری ایمنی، تعهد به نتیجه است و در تعهد به نتیجه، حصول نتیجه مورد انتظار خواهد بود و عدم حصول نتیجه که همانا برقراری امنیت کامل شبکه بانکی است، خود به خود تقصیر بانک محسوب می‌شود. مبنای این مسئولیت با نظریه خطر، بر مبنای اینکه برای تحقق مسئولیت کافی است بین یک فعل خاص و ضرر رابطه برقرار شود، بدون آنکه به احراز تقصیر نیازی باشد (راعی و شریفیان، ۱۳۹۰: ۹۲) و قاعده من له الغنم، در برابر انتفاع مادی توجیه‌پذیر است و بانک باید زیان‌های ناشی از فعالیت خود را بپردازد.

چهارم آنکه اگرچه بانک مراقبت‌های لازم را در برقراری امنیت شبکه بانکی به عمل آورده، به‌دلیل نقص و ضعف سیستم، دسترسی غیرقانونی به شبکه اطلاعات بانکی برای

اشخاص غیرمجاز مهیا شده است و متخلفان توانسته‌اند دستور پرداخت غیرمجاز صادر کنند. تلف کردن، گاهی بدون واسطه و مستقیم و گاهی با واسطه و به شکل سببیت است و زمینه تلف کردن مال را فراهم می‌کند و سبب چیزی است که بین وجود آن با وجود مسبب ملازمه وجود ندارد، ولی بین عدم آن با عدم مسبب ملازمه وجود دارد (مصطفوی، ۱۴۷۱: ۲۰). شهید ثانی در توضیح سبب می‌گوید: «آنچه نتوان به‌طور عادی و حقیقی تلف را به آن مستند کرد، ولی شأنیت این را دارد که به‌عنوان وسیله‌ای برای نابودی و اضرار مورد استفاده قرار گیرد، به آن سبب گفته می‌شود و انجام آن کار را تسبیب می‌نامند» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۱۶۳). با توجه به اینکه ملاک ضمان تلف کردن است، ملاک ضمان و مسئولیت آن است که عرفاً عنوان تلف‌کننده بر شخص ضامن صدق کند و تعریفی که در مورد مباشر و سبب ارائه می‌دهند، برای مشخص کردن عنوانی است که در عرف بر آن اتلاف صدق می‌کند (زراعت، ۱۳۸۸: ۳۶۴ - ۳۶۵). اگرچه بانک مباشر ورود خسارت به مشتری نیست، در هر حال سبب ورود خسارت است و در تسبیب کسی که سبب تلف مال و اضرار دیگری شده باشد، در صورتی مسئول است که در فعل خود یا ترک فعلی که انجام دادن آن فعل وظیفه یا تکلیف قانونی یا قراردادی باشد، تقصیر کرده باشد، یعنی احتیاط‌های لازم و در حدود متعارف را رعایت نکرده باشد (امامی، ۱۳۷۹: ۳۹۳). از این رو در تسبیب، در صورت عدم تقصیر، انتساب خسارت به مسبب احراز نمی‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

عدم تأمین امنیت شبکه بانک و نقص آن ترک فعلی است که انجام دادن آن وظیفه و تکلیف بانک بوده است (انتظاری و محقق داماد، ۱۳۹۱: ۵۸) و سبب برداشت از حساب مشتری و اتلاف مال شده باشد. در چنین شرایطی تقصیر سبب ایجاد مسئولیت مدنی بانک شده است که شاید در بعضی موارد عمدی یا غیرعمدی (ناشی از بی احتیاطی) باشد (اسکینی، ۱۳۷۱: ۲۳۸).

در صدر ماده ۷۸ قانون تجارت الکترونیکی تأکید شده است که هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی، در اثر نقص یا ضعف سیستم مؤسسات خصوصی و دولتی، به‌جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی، خسارتی به اشخاص وارد شود، مؤسسات مزبور از

باب تسبیب، مسئول جبران خسارات وارد شده هستند. نقص و ضعف سیستم حتی با رعایت تمامی استانداردها نیز شاید مرتفع نشود و قانونگذار مسئولیت جبران خسارت را صرفاً به رعایت استانداردها یا احتیاط‌های لازم و متعارف منوط ندانسته است. به علاوه، ماده ۱۶ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز تنها بر وجود رابطه سببیت به منظور تعیین مسئول جبران خسارت تأکید کرده است.

پنجم آنکه بانک‌ها می‌توانند با ارتقای سیستم‌های امنیتی خود از بروز چنین خسارت‌هایی جلوگیری کنند. ضمن آنکه بانک با ارائه خدمات بانکداری الکترونیکی از یک سو، بستر خطرناکی را ایجاد کرده و از سوی دیگر، استفاده‌کننده بزرگ این فعالیت‌هاست و باید ریسک ناشی از آن را بپذیرد. تحمیل جبران خسارت‌های وارد شده ناشی از برداشت غیرمجاز به بانک منصفانه‌تر است و این امر موجب خواهد شد تا بانک‌ها برای ارتقای سیستم‌های امنیتی خود تلاش بیشتری بکنند و حتی هزینه ارتقای امنیت شبکه را در بهای خدمات خود منظور کنند. شایان ذکر است که بانک‌ها در موقعیت مناسبی قرار دارند که بر اساس آن می‌توانند اطلاعاتی را که منتقل می‌شود، بازبینی و کنترل کنند و از این رو باید در قبال خسارت‌های به وجود آمده ناشی از خدمات ارائه شده به مشتریان مسئول باشند (ابهری و میری، ۱۳۹۱: ۱۲).

ششم آنکه بر اساس قاعده ضمان ید، اگر کسی بر مال دیگری مسلط شود و آن را تصرف کند، ضامن و مسئول خواهد بود، تا زمانی که آن را به مالکش برگرداند (شیخ انصاری، ۱۴۲۴ق: ۱۸۳، ۱۸۸ - ۱۸۹) و باید در صورت تلف و نقص آن، از عهده خسارت وارد شده برآید (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۶۱). بنابراین، ضمان چنین مالی تا زمانی که به مالک آن برگردانده نشده، بر عهده متصرف است (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۵۵ - ۱۵۶). اما استثنایی بر قاعده ضمان ید وارد کرده‌اند که تحت عنوان قاعده استیمان مطرح می‌شود؛ به این معنا که اگر استیلا امانی باشد و تعدی یا تفریطی از سوی امین صورت نگرفته باشد، امین ضامن نخواهد بود.

شاید گفته شود که متصرف غیرمأذون، حتی اگر تصرف او عدوانی و غاصبانه هم نباشد، مشمول مسئولیت مبتنی بر تصرف است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ق: ۱۱۰ - ۱۱۱) اما در شرایطی

که مشتری وجوه خود را به بانک می‌سپارد، بانک در مقام امین بوده و وضع ید بر مال غیر، در جایی موجب ضمان است که مستولی امین نباشد (بادینی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۱: ۲۴). در پاسخ باید گفت که اولاً بر فرض آنکه ید بانک را امانی بدانیم، امین باید اقدامات لازم را برای حفظ سلامت مال انجام دهد و اگر این اقدامات ترک شود، تفریط کرده است. بنابراین تصرفات امین باید در حدی باشد که صاحب مال، اجازه داده است و اگر در مال تصرفات غیرمجاز بکند، ضامن خواهد بود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۱۱۷) و به‌طور قطع اذن مالک شامل فرض تلف نمی‌شود. مضافاً اینکه در بعضی موارد اموال مردم نزد بانک ودیعه است و اگر مستودع به‌طوری که نسبت به آن مال متعارف است، مال را حفظ نکند، با توجه به اینکه تعهد بانک نسبت به نگهداری اموال مشتریان و تأمین سیستم امنیت پرداخت، تعهد به نتیجه است، وفق ماده ۶۱۲ قانون مدنی ضامن خواهد بود.

ثانیاً، طبق برخی تفاسیر از امانت، ید امانی در جایی است که دو عنصر اذن و مجانیت با هم وجود داشته باشد و در مواردی که یکی از دو عنصر لازم برای تحقق ید امانی مفقود است و عنصر عدوان نیز وجود ندارد، ید ضمانتی غیرعدوانی محسوب می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

با توجه به اینکه بانک‌ها به‌موجب ماده ۶ قانون عملیات بانکی بدون ربا، می‌توانند نسبت به اخذ کارمزد و حق‌الوکاله از مشتریان اقدام کنند، برخلاف قواعد عمومی باب وکالت مدنی در اینجا، ید بانک ضمانتی غیرعدوانی بوده و بانک به‌سبب استیلای بر مال مشتری، مسئول نقص یا تلف آن است، حتی اگر تعدی و تفریط نکرده باشد. با توجه به اینکه مراد از تفریط، عدم انجام دادن کاری است که باید انجام می‌گرفته (دیلمی، ۱۳۸۹: ۱۸۰)، عدم تأمین امنیت کافی شبکه بانک نیز از مصادیق تفریط است.

ثالثاً بر اساس ماده ۴ همان قانون، بانک‌ها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه هستند و به‌موجب ماده ۸ آیین‌نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها باید اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری را تعهد یا بیمه کنند. این امر به‌صورت تعهد بازپرداخت وجوه در قراردادهای بانکی تجلی یافته است. بنابراین ید بانک، در استرداد وجوه، ید ضمانتی است.

با توجه به استدلال‌های فوق، به نظر می‌رسد اصل بر آن قرار دارد که در شرایطی که دستور پرداخت معتبر و غیرمجازی صادر و اجرا شود، در صورتی که منتسب به فعل یا ترک فعل مشتری زیان‌دیده نباشد، بانک ضامن و مسئول جبران خسارت وارد شده به مشتری است و خود باید برای جبران خسارت به متخلف مراجعه کند.

بنابراین، زیان‌دیده می‌تواند با استناد به مسئولیت قهری یا مسئولیت قراردادی، زیان وارد شده به خود را جبران کند.

در بانکداری الکترونیکی نابرابری اطلاعات بین بانک و مشتری موجب می‌شود که قرار دادن بار اثبات دعوا بر دوش مشتری، تکلیفی مالایطاق برای وی تلقی شود (قنبری، ۱۳۹۱: ۱۳۶). لذا در مواردی که مشتری ادعای برداشت غیرمجاز از حساب خود را دارد، ابتدا مشتری باید ثابت کند که برداشت از حساب وی صورت گرفته است. در صورت اثبات این امر، بانک باید ثابت کند که برداشت صورت گرفته از حساب مشتری مبتنی بر دستور پرداخت معتبر و قانونی بوده است. اگر بانک بتواند معتبر بودن دستور پرداخت را ثابت کند، مشتری که مدعی بدون مجوز بودن برداشت وجه از حساب خود است، باید ثابت کند که چنین برداشتی غیرمجاز بوده است و به هیچ وجه منتسب به وی نیست. در صورت حصول چنین شرایطی، بانک مسئول جبران خسارت وارد شده به مشتری خواهد بود.

جبران خسارت

در حقوق آمریکا، اگر بانک دستور پرداخت غیرمجازی را اجرا کند، باید هرگونه پرداخت ناشی از آن دستور پرداخت را به مشتری بازپرداخت کند. همچنین بهره و جوه بازپرداخت شده از روزی که وجه را از حساب مشتری برداشت کرده است تا روزی که نسبت به بازپرداخت آن اقدام می‌کند، باید محاسبه و به مشتری پرداخت شود.

وفق بند ۲۰۴ ماده ۴ الف U.C.C، اگر مشتری مراقبت‌های لازم را به منظور مشخص کردن این امر که دستور پرداخت بدون مجوز صادر شده است، انجام نداده باشد و بانک را از واقعه مربوط از زمانی که مشتری اعلامیه‌ای را از بانک در خصوص پذیرش دستور پرداخت دریافت کرده یا حساب مشتری در رابطه با آن دستور پرداخت بدهکار شده، در مدت زمان

معقولی (که نباید از ۹۰ روز متجاوز شود) مطلع نکرده باشد، صرفاً حقی نسبت به دریافت بهره ندارد و بانک نباید از بازپرداخت وجه به مشتری امتناع کند و ریسک اجرای چنین دستور پرداختی، در هر حال به مشتری منتقل نخواهد شد (Official Comment 2 to U.C.C. § 4A-204). علت وضع چنین مقرره‌ای آنست که اگر دستور پرداخت غیرمجاز با سرعت کشف شود، شانس استرداد وجه از گیرنده وجه (متقلب) بیشتر است. این قانون در زمینه جبران خسارت‌های تبعی مقرره‌ای ندارد، اما به صراحت هم آن را منع نمی‌کند.

قانونگذار وفق بند ۵۰۵ ماده ۴ الف، به منظور بازپرداخت وجه به مشتری مرور زمان در نظر گرفته و مسئولیت بانک در بازپرداخت اصل وجه را نیز به دوره زمانی یک سال از زمان دریافت اعلامیه بانک توسط مشتری محدود کرده است (Official Comment to U.C.C. § 4A-505). امکان کاهش دوره یکساله به وسیله قرارداد وجود ندارد، زیرا اثر و کارایی این دوره را به عنوان مشوقی برای آنکه بانک روش‌های امنیتی را ایجاد و پیگیری کند، کاهش خواهد داد (Turner, 1994:360).

در حقوق ایران، ضرر مادی بر دو قسم است. از دست دادن عین یا محروم ماندن از نفع (سکوتی و شمالی، ۱۳۹۰: ۷۹). عین مالی مادی است که به طور مستقل در خارج وجود دارد و با یکی از حواس ظاهری احساس شدنی است، در حالی که منفعت مالی است که استقلال ندارد و به تدریج از عین حاصل می‌شود و مادی و محسوس نیست (صفایی، ۱۳۸۲: ۱۲۸).

قانونگذار در بند ج ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی کشور نوع خسارت قابل جبران را مشخص نکرده است. ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی نیز مقرر می‌کند: «در مواردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی ... زیان‌دیده باشد ... دادگاه او را به جبران همان نوع خسارتی که وارد نموده، محکوم خواهد نمود».

اولویت در جبران عینی خسارت یعنی بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده به حالت قبل از ورود خسارت است (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۳۱۱ - ۳۱۲). اعاده وضع پیشین یعنی شخص زیان‌دیده در وضعیتی قرار گیرد که اگر فعل زیانبار حادث نمی‌شد، می‌توانست چنین وضعیتی داشته باشد (حاجی عزیزی، ۱۳۸۰: ۶۸). بنابراین اصل مال که همان وجوه

موضوع انتقال غیرمجاز است، باید به خسارت‌دیده بازگردانده شود. اما گاهی بازگرداندن اصل مال، وضع زیان‌دیده را به حالت اولیه باز نمی‌گرداند و تنها ضرر آینده را متفی می‌کند. در خصوص دیون پولی، سه موضوع کاهش ارزش پول و منافع ممکن‌الحصول و عدم‌النفع باید مد نظر قرار گیرد.

وفق ماده ۳۰۳ قانون مدنی، جبران خسارت کامل و بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده، به بازگرداندن اصل و منافع منوط است. از زمانی که پول از حساب مشتری برداشته می‌شود، تا زمانی که بازپرداخت می‌شود، شاید ارزش اسمی پول تغییر نکرده باشد، اما ارزش واقعی پول و قدرت خرید و مالیت آن کاهش یابد. در چنین شرایطی مبنا و دلیل فقهی پرداخت مبلغ مازاد بر ارزش اسمی پول در دیون پولی «قاعده لزوم وفای به عهد» و «قاعده لاضرر» است. مدیون باید پولی را تأدیه کند که از نظر قدرت خرید و مالیت برابر با مقدار پول در ذمه باشد و چنانچه صرفاً پولی معادل پول مورد تعهد از نظر مبلغ اسمی تأدیه شود، وفای به عهد محقق نمی‌شود و همچنین مدیون با تأخیر در پرداخت، موجبات ضرر را فراهم کرده است و به مقتضای قاعده نفی ضرر باید ضرر طلبکار جبران شود. بنابراین، طبق نظر برخی از نویسندگان، جبران کاهش ارزش پول، جزء اصل دین محسوب خواهد شد (غریبه، ۱۳۸۷: ۵۵، ۶۳) و باید به وسیله بانک به مشتری پرداخت شود.

عدم‌النفع در اصطلاح حقوق به معنای ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی بوده که مقتضی وجود آن حاصل شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۴۵). عدم‌النفع محقق‌الحصول آن منفعتی است که هرگاه فعل معین موجود نمی‌شد، محققاً آن منفعت به متضرر می‌رسید و فعل مزبور به همان علت منحصر، سبب نرسیدن منفعت شده است (امامی، ۱۳۷۹: ۴۰۷). عدم‌النفع محتمل‌الحصول عبارت است از منفعتی که هرگاه فعل معین موجود نمی‌شد، احتمال داشت که عاید طرف شود. در این نوع منفعت احتمالی، فاعل ضامن نیست، زیرا رابطه علیت بین فعل و عدم پیدایش موجود نیست و بر فرض هم که فعل ایجاد می‌شد، احتمال داشت منفعت حاصل نشود (احمری و ذکائیان، ۱۳۹۲: ۱۴).

خسارت ناشی از عدم‌النفع وفق تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مطالبه‌شدنی نیست. به نظر می‌رسد عدم‌النفع مطالبه‌ناپذیر، عدم‌النفع محتمل‌الحصول باشد و

منظور قانونگذار عدم‌النتفع محقق‌الحصول و ممکن‌الحصول نیست. زیرا با وحدت ملاک از ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، می‌توان خسارت‌های ناشی از منافع ممکن‌الحصول را قابل مطالبه دانست. همچنین بنا بر قاعده لاضرر، مال تلقی شدن منفعت مسلم و مفهوم عرفی ضرر، باید قائل به ضرر بودن عدم‌النتفع محقق و قابلیت مطالبه آن بود.

در خصوص منافع فوت‌شده در تعهدات پولی، بنا به تجویز ماده ۳۰۳ قانون مدنی و ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، در صورت مطالبه طلبکار و امتناع مدیون متمکن از بازپرداخت وجه، مدیون ملزم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه خواهد بود. در موضوع حاضر حد فاصل زمانی ارائه درخواست مشتری و مطالبه وجه از بانک مبنی بر بازپرداخت وجه تا بازپرداخت مجدد و وجود سایر شرایط ماده ۵۲۲ قانون مدنی، وجه را می‌توان مشمول تعلق خسارت تأخیر تأدیه دانست، خواه منافع مستوفات باشد یا غیرمستوفات، چنانکه ماده مذکور از این جهت اطلاق دارد.

در زمینه خسارت‌های تبعی، با توجه به اینکه یکی از شرایط مطالبه خسارت آن است که پیش‌بینی‌پذیر باشد (نظری، ۱۳۹۵: ۳۵ - ۳۷) و بانک قادر به پیش‌بینی خسارت‌های تبعی یا خسارت‌های از دست دادن فرصت نیست و امکان پیش‌بینی ضرر، خود یکی از مصادیق سوء نیت و تقصیر است (نظری، ۱۳۸۹: ۵۱) در این موضوع به‌عنوان ضرر مطالبه‌شدنی شناخته نمی‌شود. شایان ذکر است که میزان زیان جبران‌شدنی نیز بنا بر ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی به‌وسیله دادگاه تعیین خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در انتقال الکترونیکی وجوه، اصل آن است که دستور پرداخت معتبر، به‌صورت مجاز صادر شده است. در نظام حقوقی آمریکا جواز دستور پرداخت بر اعتبار آن غلبه دارد و اگر دستور پرداختی به‌صورت معتبر صادر شود، اما مشتری بتواند ثابت کند که به‌صورت غیرمجاز صادر شده یا به‌هیچ نحوی به وی منتسب نیست، بانک مسئول جبران خسارت است، مگر آنکه بتواند تقصیر یا تقلب مشتری را ثابت کند.

در نظام حقوقی ایران، اگر دستور پرداخت معتبر و غیرمجازی صادر شود و بانک آن را اجرا کند و حکم صریح قانونی وجود نداشته باشد، بر مبنای نظریه تقصیر و قواعد اتلاف و تسبیب و ضمان ید، بانک تا میزان مشخصی که بنا بر قانون تعیین خواهد شد، مسئول جبران خسارت‌های وارد شده به مشتری، از باب مسئولیت قراردادی یا الزامات خارج از قرارداد، حسب مورد، خواهد بود. از این رو، با توجه به تعهدات قانونی و قراردادی بانک‌ها و اصول فقهی و حقوقی حاکم بر فقه و نظام حقوقی ایران، می‌توان گفت که معتبر بودن، اماره مجاز بودن دستور پرداخت است. با اثبات غیرمجاز بودن دستور پرداخت معتبر از سوی مشتری، بانک مسئول و ضامن جبران خسارت خواهد بود، مگر آنکه بانک ثابت کند که مشتری خود عامل صدور دستور پرداخت غیرمجاز بوده است.

پیشنهادها

اگر بانک را مسئول جبران کل خسارت‌های وارد شده بدانیم، هزینه فعالیت بانک به میزان شایان توجهی افزایش می‌یابد و امکان بیمه کردن مسئولیت نیز از بین خواهد رفت و شاید شرایطی فراهم شود که ارائه چنین خدماتی دیگر به سود بانک‌ها نباشد. برای کاستن از آثار سوء این نظام و جلوگیری از طرح دعاوی واهی بر علیه بانک پیشنهاد می‌شود که اولاً مسئولیت بانک تا میزان خاصی بنا بر ملاحظات اقتصادی و معیارهای ویژه‌ای محدود شود و برای بیش از آن، مشتری به ارائه دلیل و اثبات تقصیر بانک مکلف باشد یا بانک مرکزی به‌عنوان مرجع ناظر بر بانک‌ها و ارائه‌کننده استانداردهای لازم به‌عنوان آمر، تا میزان خاصی مسئول قلمداد شود؛ ثانیاً مشتری مکلف شود که ظرف مدت معقول و متعارفی مراتب برداشت غیرمجاز از حساب خود را به اطلاع بانک برساند و در مدت زمان محدودی بتواند خسارت را از بانک مطالبه کند.

منابع

۱. احمري، حسين؛ ذکائیان، پرويز (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی خسارت عدم‌النفع در فقه امامیه و قوانین ایران و کنوانسیون ۱۹۸۰ وین». فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره سی و دوم: ۱۱ - ۲۶.
۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۱). مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل. چاپ اول، تهران: نشر دانش امروز.
۳. اسکینی، ربیعا؛ پورارشد، نادر (۱۳۸۹). «نظریه نمایندگی ظاهری در حقوق ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق خارجی»، مجله نامه مفید، شماره ۸۲: ۳ - ۲۴.
۴. السان، مصطفی (۱۳۹۲). حقوق بانکداری اینترنتی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۵. اصفهانی، شیخ محمد حسین (۱۴۱۸ق). حاشیه کتاب مکاسب، ج دوم، تحقیق: عباس محمد آل سباع، الطبعة الاولى: محقق.
۶. امامی، سید حسن (۱۳۷۹). حقوق مدنی. ج اول، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات اسلامی.
۷. امینی، منصور و عبدی، مونا (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی نظریه نمایندگی ظاهری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۸: ۶۳ - ۹۰.
۸. انتظاری، علیرضا؛ محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۱). «نقش قواعد اتلاف و تسبیب در مسئولیت مدنی زیست محیطی»، نشریه مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و چهارم؛ شماره پیاپی ۸۹: ۴۱ - ۶۱.
۹. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۴ق). المکاسب، الطبعة الخامسة، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۰. بادینی، حسن؛ شعبانی کندسری، هادی؛ رادپور سجاد (۱۳۹۱). «مسئولیت محض:

- مبانی و مصادیق»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۱: ۱۹ - ۳۶.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۰). *ترمینولوژی حقوق*، چاپ پنجم، تهران: گنج دانش.
۱۲. حاجیانی، هادی (۱۳۸۷). *حقوق نمایندگی*، چاپ اول، تهران: دانش نگار.
۱۳. حاجی عزیزی، بیژن (۱۳۸۰). «روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی»، *دوماهنامه دانشور*، شماره ۳۶: ۶۳ - ۷۲.
۱۴. دیلمی، احمد (۱۳۸۹). *حسن نیت در مسئولیت مدنی*، چاپ اول، تهران: میزان.
۱۵. زراعت، عباس (۱۳۸۸). *ترجمه و شرح العناوین*، ج دوم، چاپ دوم، تهران: جنگل، جاودانه.
۱۶. سکوتی، رضا؛ شمالی، نگار (۱۳۹۰). «جایگاه عدم‌النفع در نظام حقوقی ایران»، *نشریه علمی - پژوهشی فقه و حقوق اسلامی*، سال اول، شماره اول و دوم: ۷۹ - ۹۸.
۱۷. سیمایی صراف، حسین (۱۳۷۷). «شرط ضمنی در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی»، *نشریه میراث جاویدان*، سال ششم، شماره دوم: ۸۰ - ۸۹.
۱۸. شهید ثانی (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام*، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه المعارف الاسلامی.
۱۹. صفایی، سید حسین (۱۳۸۲). *دوره مقدماتی حقوق*، ج اول، چاپ دوم، تهران: میزان.
۲۰. صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، چاپ اول، تهران: سمت.
۲۱. عبدالهی، محبوبه؛ سید احمدی سجادی، سید علی (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی تعهدات بانک در تراکنش‌های الکترونیکی وجوه»، *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره هجدهم، شماره یک: ۹۹ - ۱۲۱.
۲۲. غریبه، علی (۱۳۸۷). «بررسی فقهی حقوقی قابلیت مطالبه میزان کاهش ارزش پول و خسارت تأخیر تأدیه»، *فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن*، دوره چهارم، شماره شانزدهم: ۴۹ - ۶۴.
۲۳. فاضل لنکرانی، شیخ محمد (۱۴۲۵ق). *القواعد الفقہیہ*، الطبعة الثانية، قم: مرکز فقه

الائمه الاطهار.

۲۴. قربان‌پور، امیر مهدی (۱۳۹۴). *مسئولیت قراردادی (ماهیت و مبانی)*، چاپ دوم، تهران: مجد.
۲۵. قنبری، حمید (۱۳۹۱). «معکوس نمودن بار اثبات دعوی مبنای مسئولیت در رابطه بین بانک و مشتری در بانکداری الکترونیکی»، *پژوهش‌های پولی و بانکی*، شماره ۱۲: ۱۲۷ - ۱۴۴.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). «عصر تجربه و حقوق تجربی: اصول جبران خسارت در نظام حقوقی آمریکا»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۴۱: ۸۷ - ۱۰۰.
۲۷. _____ (۱۳۸۸). *قواعد عمومی قراردادها*، ج اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۸. _____ (۱۳۸۹). *الزام‌های خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی*، ج اول، چاپ نهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. کاشف‌الغطا، شیخ محمد حسین (۱۴۲۲ق). *تحریرالمجله*، ج دوم، چاپ اول، قم: *المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلاميه*.
۳۰. مافی، همایون؛ کدیور، حسام (۱۳۹۲). «بررسی اختیار ظاهری نماینده در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی»، *مجله حقوق خصوصی*، دوره ۱۱، شماره ۱: ۲۳ - ۵۰.
۳۱. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۹). *قواعد فقه: بخش مدنی*، چاپ ۲۸، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۲. مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۷۱ق). *القواعد*، چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۳. مکارم شیرازی، شیخ ناصر (۱۴۲۵ق). *القواعد الفقهیه*، ج دوم، الطبعة الاولى، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۳۴. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۹). *قواعد فقهیه (۱ - ۲)*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۳۵. نظری، ایراندخت (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی مالک*، چاپ اول، تهران: جنگل.

۳۶. _____ (۱۳۹۵). *حقوق مدنی ۴: الزام‌های بدون قرارداد*، چاپ دوم، تهران:

مجد.

37. Abdullah, S., (2014), "Legal Risk Associated with Electronic Funds Transfer", PhD Dissertation, *Plymouth Law School*.
38. Brindle, M., Cox, R., (2010), *Law of Bank Payments*, Fourth Edition, Sweet & Maxwell.
39. Geva B., (2001), *Banking Collections and Payment Transactions*, Oxford: Oxford University Press.
40. Geva, B., (1986), "The Concept of Payment Mechanism", *Osgoode Hall Journal*, 24.1, 1-34.
41. Geva, B., (2003), *Consumer Liability in Unauthorized Electronic Funds Transfer*, Canadian Business Law Journal, 38.2, 207-281.
42. Geva, B., (2014), *The Law of Electronic Funds Transfers*, Matthew Bender, www.LexisNexis.com.
43. *Restatement of the Law (second) Agency*, 1958.
44. *Restatement of the Law (third) Agency*, 2006.
45. Rusch, J., (2008), "Reimagining Payment Systems: Allocation of Risk for Unauthorized Payment Inception", *Chicago-Kent Law Review*, 83(2), 561-603.
46. Turner, S., (1994), *The UCC Drafting Process and Six Questions About Article AA: Is There a Need for Revisions to the Uniform Funds Transfers Law?*, *Loyola of Los Angeles Law Review*, 28, 350-370.
47. *U.C.C. Article 4A with Commentary*.